

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

ا. م. شیریں
۲۵ فبروری ۲۰۱۴

مزدگانی که گربه تائب شد...

به گزارش ناتوی رسانه ئی، روز گذشته، ۲۴ ماه فبروری ۲۰۱۴، جهان بار دیگر شاهد فاجعه ای شد که نفوفاشیستهای تحت فرماندهی رژیمهای فوق ارتجاعی غرب- امپریالیسم امریکا و اتحادیه امپریالیستی اروپا- در اوکراین آفریدند. نفوفاشیستها، دولت قانونی (بدی و خوبی آن موضوع بحث دیگرست) آن کشور را پس از کشتار نزدیک به هشتاد نفر و ویرانگریهای عظیم ساقط کردند و قدرت را به دست گرفتند.

البته، فاجعه ای که دیروز بر سر اوکراین و زحمتکشان این جمهوری آوردند، تنها نتیجه مداخلات فاشیسم امریکا و اروپا در طول یکی دو ماه اخیر در این کشور نبود. فاجعه اشغال اوکراین، نه تنها اوکراین بلکه بسیاری از کشورهای دیگر جهان مثل یوگسلاوی، عراق، سوریه، لیبیا، مصر، یمن، هندوراس و... محصول مستقیم تخریب تبهکارانه سوسیالیسم و مثله کردن اتحاد شوروی توسط مزدوران داخلی و خارجی سرمایه و دولت مخفی جهانی در سالهای ۱۹۹۰، حتی بسیار پیشتر از آن، نتیجه بلافصل سالهای جنگ جهانی دوم و جنگ کبیر میهنی می باشد که در جریان آن بلشویکها و میهندوستان کشور شوراها فوج فوج در جبهه های نبرد با فاشیسم سرمایه داری کشته شدند و میدان برای هجوم عمال بورژوازی و خرده بورژوازی، به خصوص پیروان ایدئولوژی صهیونیستی و سوسیال- دموکراسی مانند خروشچفها، یلتسینها، یاکوفلیوفها، گوربچوفها و... به داخل حزب بلشویکهای اتحاد شوروی باز شد.

اما در باره نقش اروپا در فاجعه اوکراین. این یک واقعیت روشن است که اوکراین اولین کشوری نیست و حتماً آخرین نیز نخواهد بود که قربانی سیاستهای غرب گردید. اروپا به عنوان زادگاه برده داری و استعمار کهنه و نو، سازنده گیوتینها و محاکم تفتیش عقاید، زاینده کشور جعلی امریکا- جنایتکارترین کشور در تمام تاریخ، پرورشگاه فاشیسم، آتش افروز دو جنگ جهانی ویرانگر و پر کشتار و جنگ وحشتناکتر از آن دو- «جنگ سرد»- عامل و مسبب تمام تیره بختی های نه تنها اوکراین، بلکه، همه بشریت جهان است.

بعد از دوره به اصطلاح رنسانس، اروپا چهره و خصائل تاریخی خود را در پشت نقاب عوامفریبانه دموکراسی و حقوق بشر پنهان کرد و عوامان و فریب خوردگان و وازدگان بسیاری همآوا با رسانه های جمعی استعمار در سراسر جهان بانگ برآوردند: «مزدگانی که گربه تائب شد، زاهد و عابد و مسلمانا». اما تاریخ- این دادگاه عادل- بیرحمانه ثابت کرد که در اروپا کمترین تحول مثبت و به نفع عاه بشر روی نداده است. اروپا نه از برده داری دست برداشته، نه از استعمارگری و یغمای ثروتهای بشریت جهان؛ نه از جنگها، مداخلات و ویرانگرانه و کشتار میلیونی مردم جهان درس عبرت گرفته و نه از افکار و عقاید فاشیستی- صهیونیستی اش فاصله. استعمارگران و فاشیستهای غرب امروز همان

می کنند که دیروز می کردند و همچنان به تکرار مضحک فجایع «دیروز» مشغولند. منتها امروز متناسب با تعمیق بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک ساختاری سرمایه داری به شکل و شیوه دیگر. از میان رویدادهای پس از اشغال اوکراین به دست نئوفاشیستها این تکرار مضحک تاریخ بیش از همه جالب توجه است که، اگر نازیهای المان «دیروز» پس از اشغال لهستان استپان باندرا را از زندان آزاد کردند و باندهای تحت رهبری او را در جنگ کبیر میهنی با ارتش ورماخت همراه ساختند، امروز همان فاشیستهای غربی راهزن دیگری به نام یولیا تیماشنکو را که به جرم اختلاس تقریباً دوازده میلیارد یوروئی زندانی شده بود، از زندان اوکراین بیرون آوردند.

البته این خطاست هر گاه «پیروزی» امروز فاشیسم غرب در اوکراین را یک قضیه تمام شده تلقی کنیم. به ویژه این که، فراموش نکرده ایم که نیروهای فاشیسم اروپا قبل از این هم در سالهای جنگ کبیر میهنی تمام اروپا را پشت سر گذاشته و به پشت دروازه های مسکو رسیده بودند و حتی پیشتر از آن ناپلئون نیز. اما، تاریخ گواه است که چگونه ورق برگشت و متجاوزان غرب در خانه خود مجبور به تسلیم و برافراشتن پرچم سفید شدند. این هم درست است که امروز جای یک «امای بزرگ هنوز خالیست و آن عبارت است از فقدان یک حزب منسجم بلشویک و عزم و اراده پولادین ستالینی برای سازماندهی مقاومت توده ها در مقابل اشغالگران. در اینجا لازم به تأکید است که حادثه اشغال اوکراین به دست نئوفاشیستهای غرب، یک بار دیگر علت و دلیل واقعی و اصلی ستالین ستیزی پایان ناپذیر ارتجاع امپریالیستی- فاشیستی و حتی چینمایان همپیمان آن را به عینه ثابت کرد.

۴ اسفند- حوت ۱۳۹۲